

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۳۹۸



دانشگاه تهران
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

**حقوق بشر در عصر فرانوگرایی
(وضعیت پست مدرن)**

نگارش: سید جواد فرمهینی فراهانی

استاد راهنما: جناب آقای دکتر محمدجواد جاوید

استاد مشاور: جناب آقای دکتر فیروز اصلانی

۱۳۸۹/۳/۱۱

پایان نامه برای دریافت درجه ی کارشناسی ارشد
در رشته حقوق بشر

کتابخانه اساتید دانشکده حقوق
تهران

بهمن ۱۳۸۸

۱۳۶۸۵۳



جمهوری اسلامی ایران
دانشگاه تهران

شماره _____
تاریخ _____
پیوست _____

اداره کل تحصیلات تکمیلی

باسمه تعالی

تعمد نامه اصالت اثر

اینجانب ^{نژاد} سید جواد فرخندهی متعهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه / رساله حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است ، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مأخذ ذکر گردیده است. این پایان نامه / رساله قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است . در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد .
کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پردیس / دانشکده / مرکز دانشگاه تهران می باشد .

نام و نام خانوادگی دانشجو سید جواد فرخندهی نژاد

امضاء

آدرس : خیابان انقلاب اول خیابان فخر رازی - پلاک ۵ کدپستی : ۱۳۰۴۵/۵۶۸

فاکس : ۶۴۹۷۳۱۴



دانشکده حقوق و علوم سیاسی
گروه آموزشی حقوق عمومی
گواهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

هیات داوران پایان نامه کارشناسی ارشد : سیدجواد فرمینی فراهانی
در رشته : حقوق بشر

با عنوان : حقوق بشر در عصر فرانوگرایی

را در تاریخ : ۱۳۸۸/۱۲/۳

به عدد	به حروف
۱۹	نوزده

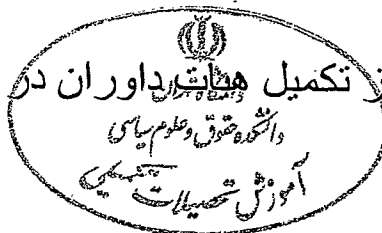
با نمره نهایی :

ارزیابی نمود.

عالی

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبۀ دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد):	دکتر محمدجواد جاوید	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر فیروز اصلانی	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۳	استاد داور (یا استاد مشاور دوم)	دکتر ابراهیم موسی زاده	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۴	استاد داور (خارجی)				
۵	نماینده کمیۀ تحصیلات تکمیلی گروه آموزشی :	دکتر سیدباقر میرعباسی	دانشیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	

تذکر : این برگه پس از تکمیل هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد.



برای مادرم.

چکیده

آنچه در این تحقیق فلسفی انجام می شود در حقیقت تلاشی است برای درک وضعیت پست مدرن و همچنین امکانات، دشواری ها و چالش های بنیادینی که برای مفهوم "حقوق بشر" در این وضعیت ایجاد می شود.

عرصه ها و امکانات جدیدی در وضعیت پست مدرن، برای حقوق بشر وجود می یابد. حقوق بشر، به طرز تناقض مندی، در وضعیت پست مدرن هم ویران می گردد و هم به حیات خود ادامه می دهد.

به عبارت دیگر، وضعیت پست مدرن به عنوان بستری عمل می کند که حقوق بشر در آن سیالیت می پذیرد، متکثر می شود و متحول می گردد. در نظریه ورزی های پست مدرنیستی حقوق بشر، به عنوان یک پدیده مدرنیستی، یک فرا روایت، یک پروژه مربوط به روشننگری و یک پدیده متافیزیکی حتی در معرض نفی هم قرار دارد اما از سوی دیگر به عنوان روشی برای انکشاف غیریت ها و تفاوت ها، مدلی تضمین کننده چند صدایی پست مدرن و بستری برای التقاط گرایی می تواند در وضعیت پست مدرن، کاربرد داشته باشد.

در وضعیت پست مدرن، با زیر سؤال رفتن مفهوم جهانشمولی حقوق بشر و مفهوم "هویت انسانی مشترک" مستتر در حقوق بشر، نوعی توجه به واقعیت های متکثر و متنوع و غیریت ها و جایگزینی افق جهانی حقوق بشر با جنبش های حقوقی خاص، ناهمگن، نامتجانس و در حال تغییر، بدون قائل شدن به هر گونه اولویتی در بین آنها و بدون هر گونه مشروعیت بیرونی از طریق توسل به هر گونه فرا روایت یا فرا گفتمان یا اتوپیا و با نوعی مشروعیت درونی از طریق شناخت روایی و کاربردشناسی آن ها مورد تأکید قرار می گیرد.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، عصر فرانوگرایی، وضعیت پست مدرن، نفی فرا روایت، بحران مشروعیت، بازی های زبانی.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۱
۱- طرح مسأله	۱
۲- سؤال اصلی	۴
۳- سؤالات فرعی	۴
۴- فرضیه ی اصلی و فرضیه های رایج	۶
۵ - هدف پژوهش	۷
۶- بررسی ادبیات موجود	۷
۷- روش و ابزار پژوهش	۸
۸-مشکلات و دشواری های تحقیق	۹
۹- توضیح مفاهیم کلیدی	۱۲
۹-۱- حقوق بشر	۱۲
۹-۲- عصر فرانوگرایی	۱۳
۱۰- سازمان بندی مطالب	۱۳
۱۱- شمای اجمالی پایان نامه به صورت درختواره:	۱۶

فصل اول: درکی از وضعیت پست مدرن

گفتار اول: دشواری ها و زمینه های تاریخی و فرهنگی در تعریف پذیری مفهوم "پست مدرن"	۱۸
گفتار دوم: پیوستار مفهومی "پست مدرن" با درکی از معنای مدرنیته و بسترهای شکل گیری آن	۲۷
گفتار سوم: پیوستار مفهومی "پست مدرن" با درکی از معنای مدرنیسم و بحران در پروژه ی مدرنیته	۴۱
گفتار چهارم: خصلت یابی "وضعیت پست مدرن" و چارچوب های تحلیلی برای معناپذیری ویژگی های اساسی آن	۵۱
الف) وضعیت پست مدرن به مثابه یک قریحه (حس پذیری)	۵۷
ب) وضعیت پست مدرن به مثابه یک جوّ	۵۸
ج) وضعیت پست مدرن به مثابه بحران	۵۹
د) وضعیت پست مدرن به مثابه نوعی دانش یا معرفت (شناخت)	۶۱
ه) وضعیت پست مدرن به مثابه نوعی عقب نشینی	۶۱
و) وضعیت پست مدرن یک موقعیت، شرایط و اوضاع و احوال	۶۲
گفتار پنجم: درکی از چشم اندازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تحولات مربوط به وضعیت پست مدرن	۶۳
گفتار ششم: درکی از زمینه های فلسفی و معرفت شناسانه ی وضعیت پست مدرن	۷۳

الف) زمینه یابی وضعیت پست مدرن در درون سنت فلسفی مدرن	۷۴
ب) زمینه یابی وضعیت پست مدرن در نظریات تفسیرگران پست مدرن	۷۷
جمع بندی فصل اول	۸۲

فصل دوم: تحلیل مفاهیم حقوقی در ارتباط با "حقوق بشر" در وضعیت پست مدرن

گفتار اول: درک با رفتار مطالعات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فلسفی وضعیت پست مدرن برای	
ارائه‌ی روایتی از حقوق	۸۷
الف- نقد حضور یا نمایش واقعیت و به جای آن، تاکید بر بازنمایی و صنع واقعیت	۹۱
ب - نفی اصل و پذیرش پدیدارها	۹۱
ج- نفی وحدت	۹۳
د- نفی ویژگی استعلایی ارزش ها و هنجارها	۹۴
ه- اندیشه‌ی غیریت به منزله‌ی تعیین کننده‌ی ذات	۹۶
گفتار دوم: روایت‌گری پست مدرنیستی از حقوق به مثابه مجموعه‌ای از بازی‌های زبانی	۹۸
گفتار سوم: تناقض مندی و عدم تجانس در حقوق به مثابه مجموعه‌ای از بازی‌های زبانی	۱۰۷
گفتار چهارم: بی ژرفایی، افتراق، تکثر و خودانکاری حقوق در وضعیت پست مدرن	۱۱۷
گفتار پنجم: حقوق بشر به مثابه کانون اصلی بحران حقوق در وضعیت پست مدرن	۱۲۶
گفتار ششم: درکی از متناقض نمای "فلسفه‌ی حقوق بشر" در وضعیت پست مدرن	۱۳۶
گفتار هفتم: تاکیدهای حقوق بشری به مثابه مضامین اساسی وضعیت پست مدرن	۱۴۵
جمع بندی فصل دوم	۱۵۳
نتیجه گیری	۱۵۶
فهرست منابع	۱۷۰

مقدمه

حقوق بشر در عصر فرانوگرایی (وضعیت پست مدرن) را در پرتو این واقعیت باید مورد بررسی قرار داد که هم نشینی دو واژه ی "پست مدرن" و "حقوق" فراسوی اینکه چه معنا و مفهومی از هر یک از آنها مدنظر قرار بگیرد، امری چالش زا و تا حدودی متناقض نماست. اما پژوهش در این امور (حداقل تا آنجا که به تحلیل مفاهیم حقوق بشری مربوط می شود) بیانگر تأملاتی بس شگرف در قلمروهایی نوین می باشد. تبیین اجمالی این موضوع در راستای نگارش پژوهشی دانشگاهی در رشته ی حقوق بشر را در طی چند بحث کوتاه در همین مقدمه ارائه می کنیم.

۱- طرح مسأله

اگر با رویکردی تاریخی به مطالعه ی قلمروهای مختلف دانش و حوزه های گوناگون گسترش علوم بپردازیم، در می یابیم در دهه های اخیر صحبت از "پست مدرن" چنان شایع شده است که تقریباً در هر حوزه ای از دانش موضوعات یا عناوینی را می توان یافت که به نحوی به "وضعیت پست مدرن" مرتبط شده اند: در معماری، هنر، موسیقی، نقاشی، فیلم، عکاسی، فلسفه، علوم اجتماعی، سیاست، تاریخ، جامعه شناسی، دین، اخلاق، نظریه ی ادبی، ادبیات، مطالعات فرهنگی، جغرافیا، محیط زیست، مطالعات شهری، اقتصاد و....^۱

حتی تلاش هایی برای ایجاد ارتباط میان "وضعیت پست مدرن" و رشته هایی چون فیزیک، مکانیک (کوانتوم)، شیمی، ریاضیات، نجوم، سیبرنتیک و دیگر رشته های علوم محض و کاربردی نیز صورت گرفته است.^۲

بدینسان پیکره ای از عقاید، آراء و نظریه های گوناگون، ناهمگون و گاهی متعارض از سوی اندیشمندانی با خاستگاه های فکری و مبانی اندیشه ای متفاوت، در حوزه های مختلف دانش بشری پیرامون واژه ی "پست مدرن" و مشتقات آن شکل گرفته است.

^۱ . Victor E. Taylor & Charles E. Winquist(ed) "Postmodernism: Critical Concepts" London, Routledge, 1999, VOL I, PIV.

^۲ . درباره ی نگاه انتقادی به این تلاش ها نگاه کنید به: علی پایا، "عرض شعبده با اهل راز دروغین"، ماهنامه ی

کیان، سال هشتم، تهران، شماره ی ۴۳، مرداد-مهر ۱۳۷۷- صفحات ۵۶ تا ۶۶

اندیشه‌هایی که به دشواری می‌توان آنها را در یک چارچوبه‌ی کلی و بر بنیان شالوده‌ها و اصول فکری یکدست، یکسان و منظم صورت‌بندی نمود و به تعریف جامعی از آنها مبتنی بر وجوه اشتراک، پایه‌های تئوریک و منابع معرفت‌شناسی مشابه یا حتی روش‌های شناختی و تحقیقی همسان دست یافت.^۳

اما دامنه‌ی چنین اندیشه‌هایی کمتر به لحاظ نظری به دنیای اندیشه‌های حقوقی و به لحاظ عملی به درون نظام‌های حقوقی امروزیین راه یافته است؛ اندیشیدن پیرامون دلایل مقاومت حقوقدانان در مقابل سیل ویرانگر و بنیان‌برانداز مفاهیم پست مدرنیستی یا به طور متقابل عدم علاقه مندی "پست مدرن‌ها" به چارچوب‌های سخت و انعطاف‌ناپذیر حقوقی و هم‌چنین ریشه‌یابی دلایل عدم بسط و گسترش چارچوب‌های پست مدرنیستی برای درک مفاهیم حقوقی از جمله مقوله‌هایی است که می‌تواند به درک رابطه‌ی چالش برانگیز و تناقض‌مند دو واژه‌ی "پست مدرن" و "حقوق" یاری رساند.^۴

از سوی دیگر، اگر تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فلسفی توصیف شده در ارتباط با وضعیت پست مدرن، آن‌طور که پست مدرن‌ها ادعا می‌کنند مرزناپذیر، تعمیم‌پذیر و بسیار در هم تنیده و سیال هستند^۵ و اگر نظام‌های حقوقی، آن‌طور که خود ادعا می‌کنند درصدد تنظیم روابط گوناگون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هستند^۶ یا همان‌طور که در تئوری‌های گوناگون تفسیر شده است، نظام‌های حقوقی به مجموعه‌های عظیم‌تری از قواعد اخلاقی یا دینی، مناسبات فرهنگی و اجتماعی و کنش‌های سیاسی یا زیرساخت‌های اقتصادی قابل ارجاع هستند و در آنها مبنایابی و منع‌سازی می‌شوند،^۷ در آن صورت لزوماً باید به تحلیل دوباره‌ی مفهوم "حقوق" با توجه به دلالت مندی‌ها، تناقض‌یابی‌ها و ناسازه‌های کثیرالوجه و پراز‌ابهام و دیریابی‌های وضعیت پست مدرن پرداخت.

هم‌چنین تحلیل‌های پست مدرن به طرز رو به رشد و متکثری مفاهیمی چون هویت، طبقه، جنسیت، محیط زیست، کیفر، جنون، سرکوب و طرد، بی‌عدالتی، حق‌ها و آزادی‌ها و اقلیت‌ها را مورد توجه قرار داده‌اند.^۸ طبیعتاً موج ویرانگر و بنیان‌برانداز انتقادات آنها در ارتباط با این قبیل

³ Richard Appignansi & Chris Garratt, "Introducing Postmodernism" Cambridge, UK, Icon Books Ltd, 1999, p.6.

⁴ Costas Douzinas, Peter Goodrich & Yifat Hachamovitch, "Politics, Post-modernity and Critical Legal Studies: The Legality of the Contingent" London, Polity Press, 1994, p3.

⁵ N.J. Rengger, "Political Theory and Postmodernity" London, Routledge, 1997, P.II.

⁶ ناصر کاتوزیان، "مقدمه‌ی علم حقوق"، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ سی و سوم، ۱۳۸۲، صفحات ۸۸ تا ۱۰۰.

⁷ جورجو دل. وکیو، "فلسفه‌ی حقوق"، ترجمه‌ی جواد واحدی، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۹، صفحات ۲۱۷ تا ۲۲۸.

⁸ Agnes Heller, "Can Modernity Survive?" London, Polity Press, 1990, PP.21-39.

مفاهیم کلیدی مرتبط با نظام های حقوقی، بازنمایی مفاهیم حقوقی و چپستی و چگونگی درک آنها را با دشواری های تازه ای همراه ساخته است که مواجهه با آن ها لزوماً چارچوب های پژوهشی تازه (فرامدرن) را نیازمنداست.

در فرایند درک "وضعیت پست مدرن" لزوماً پروژه ی مدرنیته و به تبع آن تمام نموده ها، نشانه ها، شناخت ها، روش ها و نتایج تفکر مدرن مورد تأمل و کنکاش قرار می گیرند^۹ و به طور خاص در این رساله ابعاد گوناگون نظام های نوین حقوقی به مثابه پروژه هایی اساساً مدرن یا مدرنیستی به طرز چالش برانگیزی بازنمایی می شوند که فضای عمومی پژوهش را سازمان می دهد.

در این میان، دانش حقوق بشر به مثابه پدیده ای تکوین یافته در دوره ی تاریخی مدرن و تجلی ارزش های اساسی تفکر مدرن در یادآوری شعار آزادی، برابری و برادری در انقلاب فرانسه به عنوان رمزی از مدرنیته (و فراتر از آن به عنوان نقطه ی شروعی برای آغاز تفکر مدرن برپایه های فردگرایی، آزاد اندیشی و انسان محوری تا رسیدن به نقطه اوج پروژه ی مدرنیته یعنی نظامی جهانشمول، هماهنگ و تامین گر سعادت و رهایی انسان در چارچوب پیشرفت تاریخی) در مرکز بحث های حقوقی پیرامون وضعیت پست مدرن در این پژوهش قرار می گیرد و سعی می گردد در پرتو آن دسته از ایده های حقوقی که با توجه به مفاهیم "مدرن" و "پست مدرن" و اشتقاقیات آنها و با یک مجموعه از مطالعات میان رشته ای مدرنیستی و پست مدرنیستی به دست می آید، به طرز انتقادی و چالش برانگیزی به بازنمایی مفهوم "حقوق بشر" به عنوان مهم ترین دستاورد تفکر حقوقی مدرن و مهم ترین چالش نظام های حقوقی امروزی در وضعیت پست مدرن پرداخته شود.^{۱۰}

به ویژه اعلامیه ی جهانی حقوق بشر به عنوان یکی از دستاوردها و محصولات تفکر مدرن مورد توجه قرار می گیرد. این اعلامیه در معرض هجوم انتقادات گسترده ی پست مدرنیستی در چشم اندازهای مختلف نسبی گرایی، عمل گرایی و تکثر گرایی و برداشت های مختلف مبتنی بر نفی جهان

۹. باقر شاملو، "پسامدرن و پرسش های زمانه در قلمرو حقوق"، در مجموعه مقالات "درس گفتارهایی در پسامدرنیسم" کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی، دانشکده ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی تهران، ۱۳۸۵، صفحات ۱۵ تا ۲۵.

۱۰. درباره ی این طرز تلقی از حقوق بشر، نگاه کنید به:

محمد جواد جاوید، "حقوق بشر در عصر پسامدرن؛ انتقاد از شاهکاری فلسفی در فهم حقوق ذهنی"، فصلنامه ی حقوق، مجله ی دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی، دوره ی ۳۷، شماره ی ۳، پائیز ۱۳۸۶، صفحات ۶۳-۹۶.

شمولی، یکسان سازی، فردگرایی و انسان محوری و ... بوده است؛ به طوری که گاهی اصولاً به عنوان پدیده ای مدرن و در نتیجه ی نفی مدرنیته از اساس انکار شده است و گاه بازنمایی آن در وضعیت پست مدرن با دشواری هایی مورد طرح قرار گرفته است یا این که در چشم اندازها و امکان های تازه ای به تناسب وضعیت جدید بررسی شده است.^{۱۱}

۲- سؤال اصلی

با توجه به موارد فوق الذکر یک سؤال اساسی وجود دارد که در نهایت دو بخش اساسی و چارچوب کلی پژوهش حاضر را سامان می دهد. این سوال که در دو بخش طرح شده است چنین است:

۱- در حوزه ی نظر آیا وضعیت پست مدرن، قابلیت بازنمایی و امکان مشروعیت یابی را به مفهوم حقوق بشر می دهد؟

۲- در حوزه ی عمل وضعیت پست مدرن چه امکانات، دشواری ها و چشم اندازهای جدیدی را فراروی نظام بین المللی حقوق بشر می گذارد؟

سوال اول بیشتر در فضایی اندیشه ورزانه و در عرضه ی پژوهش نظری قابل بررسی است و سوال دوم عمدتاً بر پایه های فرعی واقع گرایی و عمل گرایی در فضایی کاربردی و در عرصه ی عمل مطرح می شود؛ هرچند که همان طور که در طول مباحث مشخص می شود، طرح چنین دوگانه هایی میان ذهن/عمل یا واقعیت/حقیقت اساساً در فضای پست مدرن لرزان و سست می گردد^{۱۲} و به عنوان وجهی از تفکر پست مدرن، التقاط ها و ناپایداری هایی ایجاد می گردند که جنبه های دیگری از چالش زا و تناقض مند بودن این رساله را نیز به نمایش می گذارند.

۳- سؤالات فرعی

عطف به سوال اصلی می توان سؤالات فرعی ناشی شده از آن را در چهار مورد زیر خلاصه کرد:

۱۱. در این باره نگاه کنید به؛ خوزه ا. لیندگرن آلوز، "اعلامیه ی جهانی حقوق بشر، از منظر پست مدرنیته" ترجمه ی نظام الدین خواجه نوری، تهران، نشر آبی، ۱۳۸۰، صفحات ۱۷ تا ۴۱.

۱۲. نگاه کنید به؛

Jean Baudrillard, "The Illusion of the End", tr. By Chris Turner, Cambridge, Polity Press, 1995. pp 13-22.

۱- آیا اساساً واژه ی "پست مدرن" در یک نظام حقوقی یا برای توصیف آن می تواند کاربردی داشته باشد؟ در توضیح و بسط این سوال، باید پرسید: چرا استفاده از این واژه به لحاظ تاریخی در دنیای اندیشه های حقوقی کمتر مرسوم شده است؟ آیا اساساً نیازی به کاربرد این واژه برای توصیف دسته ای از ویژگی های یک نظام حقوقی وجود دارد؟ آیا امکان و بلکه ضرورت چنین کاربردی از پست مدرنیسم در حقوق وجود دارد؟ کدام دسته از توصیفات درونی حقوق می توانند چنین کاربردی را توجیه کنند و به عبارتی دیگر کدام دسته از عناصر حقوقی را می توان مستعد سازماندهی پست مدرنیستی قرارداد؟ این کاربردپذیری در پاسخگویی کدام دسته از مشکلات و بحران های نظام های حقوقی می تواند موثر باشد و در معنایی فنی تر، چنین کاربردی چه امکانات جدیدی را سامان می دهد و متقابلاً چه عوارض و مشکلاتی را به همراه خواهد داشت؟^{۱۳}

۲- به طور رادیکال تر می توان به این پژوهش پرداخت که چگونه عناصر و اجزاء سازنده و تشکیل دهنده ی پست مدرن را می توان در برخی نمونه های برجسته و عمده ی فرهنگ حقوقی جستجو کرد؟ در شرح این پرسش باید اندیشید که معانی، مقاصد و نشانه های پست مدرن تا چه اندازه در نظام های حقوقی گوناگون، گسترده، فراگیر و کلی هستند و احتمالاً کدام چارچوب های حقوقی و شرایط و اوضاع و احوال مبتنی بر حقوق زمینه ی ظهور "وضعیت پست مدرن" بوده است یا اینکه کدام سازوکارهای حقوقی باید وجود داشته باشد تا وضعیت پست مدرن در آن ظهور یابد؟^{۱۴}

۳- در مرحله ی بعد، باید این سوال مورد تامل قرار گیرد که چرا مفهوم "حقوق بشر" در مرکز بحث های حقوقی در وضعیت پست مدرن قرار می گیرد؟ این سوال در بطن خود این مسائل را مطرح می کند که اهمیت کلیدی مفهوم "حقوق بشر" در اندیشه ی حقوقی مدرن و نظام های نوین حقوقی و به طور کلی پارادایم فکری مدرنیته چیست؟ اساساً چه تعریفی می توان از حقوق بشر در عرصه ی اندیشه ی حقوقی ارائه داد؟ این تعریف چه قدر با مبانی اندیشه گی مدرن و صورت بندی های مرتبط با مدرنیته پیوستگی دارد؟ شکل گیری مفهوم حقوق بشر چه قدر به صورت تاریخمند و

۱۳. این شیوه ی طرح سوالات از منبع زیر الهام گرفته شده است

Dominic Strinati, "Postmodernism and Popular Culture" in D. Strinati, "An Introduction to Theories of Popular Culture", London, Routledge, 1996, pp.221-245.

۱۴. در ارتباط با جدلیات پیرامون اینکه، چنین وضعیتی وجود دارد یا به وجود خواهد آمد، نگاه کنید به:

Barry Smart, "Postmodernity", London, Routledge, 1993, pp. 11-20.

در درون گاه شماری مربوط به تاریخ تحولات دوران مدرن اتفاق افتاده است؟ آیا حقوق بشر پروژه ای اساساً غربی و متعلق به دوره ی تاریخی مدرن فرهنگ اروپایی-آمریکایی است؟ در این صورت چنین پروژه ای با کدام دسته از مبانی و شالوده های اندیشه ی مدرن ارتباط می یابد؟ مفروضات اساسی مدرنیته که به سازماندهی نظام بین المللی حقوق بشر کمک کرده است چه چیزهایی می باشند؟^{۱۵} آیا اگر این مفروضات بنیادین مدرن در چارچوب انتقادات پست مدرنیستی، مشروعیت و یا حداقل کاربردپذیری خود را از دست بدهند، دیگر امکان بازنمایی حقوق بشر وجود ندارد؟

۴- و در نهایت باید پرسید؛ سرنوشت حقوق بشر در وضعیت پست مدرن چه خواهد بود؟ در شرح این سوال نیز باید به جواب این سوالات اندیشید که آیا امکان بازنمایی پست مدرنیستی مفهوم حقوق بشر وجود دارد؟ اگر پاسخ مثبت باشد مهم ترین دشواری های این بازنمایی کدام است؟ چه چالش ها، امکانات، کاریست ها و چشم اندازهای تازه ای برای نظام بین المللی حقوق بشر در وضعیت پست مدرن فراهم می شود؟

۴- فرضیه ی اصلی و فرضیه های رایج

با توجه به اکتشافی بودن تحقیق می توان گفت در ابتدا فرضیه ی خاصی وجود ندارد اما فرضیه های رایج این است که هرچند در نگاه اول؛ (الف) حقوق بشر به مثابه امری مدرن یا پروژه ای اساساً مدرنیستی یا فراروایتی کلان و مشروعیت بخش و رهایی دهنده ی مربوط به دوران مدرن در معرض تردید یا انکار یا استهزاء پست-مدرنیستی قرار می گیرد و در وضعیت پست مدرن بی اعتبار دانسته می شود اما فرضیه دیگر (ب) معتقد است با نگاهی متفاوت تر و شاید ژرف اندیشانه تر، امکانات جدید به همپایگی با دشواری های جدید فراروی مفاهیم نظری مربوط به حقوق بشر و سازوکارها و آئین های مرتبط با نظام بین المللی حقوق بشر قرار می گیرند و چشم اندازهای متنوع تر، متکثرتر، پویاتر و در عین حال ویرانگرتر را پیش روی بازنمایی حقوق بشر در وضعیت پست مدرن قرار می دهند.

البته فرضیه های دیگری را نیز می توان مورد اشاره قرار داد که (ج) طبق آنها حقوق بشر در وضعیت پست مدرن اساساً مشروعیت و کاربرد پذیری خود را از دست می دهد و امکان بازتولید

۱۵. در ارتباط با درک مدرنیته به عنوان پروژه ای اساساً غربی و ارجاع وضعیت پست مدرن به ویژگی ها و خصلت های اساسی مدرنیته نگاه کنید؛

Anthony Giddens, "The Consequences of Modernity" Cambridge, Polity Press, 1990, pp 163-165.

خود را در هجوم انتقادات پست مدرنیستی از دست می دهد. هم چنین در دسته ای دیگر از نظریه پردازی ها ادعا شده است که اساسا هسته ی سخت مطالعات حقوقی و به ویژه مفاهیم مربوط به حقوق بنیادین از حوزه ی اندیشه ورزی های پست مدرن دور مانده است یا لایه های عمیقا ارتجاعی و محافظه کار مستتر در میان ظواهر رادیکال نظریه پردازی های پست مدرن، امکان بازنمایی مفاهیم حقوق بشر مدرن را فراهم می سازد. در روند بررسی اندیشه های پست مدرن تلاش می گردد جنبه های قوت و ضعف این نظریات نیز مورد تأمل قرار گیرد.

۵- هدف پژوهش

به نظر می رسد برای هر خواننده حقوقی در درجه نخست، تفکر پست مدرن، چشم انداز جدیدی را می گشاید، تا به گونه ای متفاوت درباره ی حقوق بشر بیندیشد و راه حل های جدیدی را برای مسایل حقوق بشری بیابد. اما هدف پژوهش در فضایی کلی تر و مهم تر از این نشان می دهد که، وضعیت پست مدرن، این فرصت را در اختیار حقوقدانان قرار می دهد تا درباره ی "ماهیت فلسفی حقوق بشر" و نگرش های رایج در وضعیت پست مدرن درباره ی آن بیندیشند و دستاوردهای آن را بیاموزند و برای توسعه و ترویج حقوق بشر، چشم اندازهای جدیدتری را کاربردی سازند. اهداف این پژوهش در فراهم ساختن مقدمات این تلاش نظری زمینه یابی می شود.

۶- بررسی ادبیات موجود

همان طور که اشاره شد استلزامات و کاربردهای نظریات پست مدرنیستی در عرصه ی حقوق کمتر مورد بررسی قرار گرفته است؛ لذا ادبیات چندانی در این زمینه ی فلسفی شکل نگرفته است. در پژوهش های که به زبان فارسی انجام پذیرفته است، می توان صرفا به چند مقاله و کتاب اشاره کرد؛ از مهم ترین آنها باید مقاله ی دکتر محمد جواد جاوید را با عنوان "حقوق بشر در عصر پسامدرن؛ انتقاد از شاهکاری فلسفی در فهم حقوق ذهنی" مورد تأکید قرار داد که با مروری بر بنیان های انسان شناسانه ی حقوق مدرن زمینه ای را برای طرح انتقادات فلسفی پست مدرن ها به مفاهیم کلیدی حقوق بشر مدرن فراهم می سازد.

هم چنین مقاله ی "حقوق بشر و پست مدرنیسم" نوشته ی امیر هوشنگ افتخاری راد نیز به لحاظ اینکه ضمن ارائه ی مفهوم نسبتاً روشنی از معنای "پست مدرنیسم" سعی دارد انتقادات اصلی پست مدرن ها بر بنیان های انسان شناسانه و فلسفی اعلامیه ی جهانی حقوق بشر را صورت بندی کند، قابل اشاره به نظر می رسد.

مقاله ی دکتر باقر شاملو با عنوان "پسامدرن و پرسش های زمانه در قلمرو حقوق" نیز با رویکردی مشابه سعی می کند انتقادات فلسفی به مبانی مدرن حقوق بشر را (به ویژه در ارتباط با شالوده گرایی و بنیان گرایی انتزاعی فلسفه ی مدرن) سازمان دهد. دو مقاله ی اخیر بیشتر با تمرکز بر مفهوم "نقد فرا روایت ها" و و بسط منطقی آن به قلمرو حقوق نوشته شده اند و مقاله ی نخست به نحوی پیوند این مفهوم با بحران در "عقل مدرنیستی" را نمایان ساخته است.

در حوزه ی ترجمه نیز کتاب "اعلامیه ی جهانی حقوق بشر از منظر پست مدرنیته" نوشته ی خوزه لیندگرن آلوز توسط نظام الدین خوجه نوری به فارسی برگردانده شده است. نویسنده ی کتاب یک دیپلمات برزیلی است که دلمشغولی های فلسفی خود را با تجربیات عملگرایانه ی خود پیوند داده است و زمینه هایی را برای کثرت گرایی، رواداری و رویکردهای فرهنگی ضد جهان گرایی در اندیشه ی پست مدرن جستجو کرده است که به طور بالقوه برای گسترش حقوق بشر در کشورهای در حال توسعه مؤثر باشد.

۷- روش و ابزار پژوهش

همانگونه که پیشتر گفته شد در این پژوهش سعی شده است تا با استفاده از یک روش اکتشافی در رویکردی فلسفی، با کمک ابزار تحلیل محتوا و با مراجعه مستقیم به منابع گوناگون، به توصیف و بیان نظریات و اندیشه ورزی های پست مدرن پرداخته شود و سپس با تحلیل و مقایسه ی نظریه ها و مطالعه ی کاربست آنها در زمینه ی حقوق بشر نتیجه ی مطلوب و قابل قبول ارائه گردد.

در واقع در این رساله با رویکردی فلسفی و ابزار تحلیل محتوا و هرمنوتیک مدرن از متون معاصر تلاش می شود این ادعا امکان سنجی گردیده و بررسی شود که چگونه مفهوم حقوق بشر، به طرز تناقض مندی در وضعیت پست مدرن هم ویران می گردد و هم به حیات خود ادامه می دهد؛ هم به عنوان یک روایت کلی مدرنیستی، یک رویکرد مدرن و یک پروژه ی مربوط به روشنگری و پدیده ای متافیزیکی در پیوستگی با مدرنیته مورد چالش قرار می گیرد و هم به عنوان روشی برای کشف

غیریت‌ها و تفاوت‌ها، مدلی تضمین‌کننده‌ی چند صدایی پست‌مدرن و بستری برای التقاط‌گرایی پست‌مدرنیستی چشم‌اندازهای بدیعی را فراهم می‌آورد، سیالیت می‌پذیرد، متکثر و نیز متحول می‌شود. لذا سعی می‌شود عرصه‌ها و نوآوری‌هایی که در وضعیت پست‌مدرن برای نظام بین‌المللی حقوق بشر قابلیت بروز پیدا می‌کند، بیان‌گردد و گزینه‌هایی برای پاسخ‌گویی به برخی بحران‌های مداوم و مقاوم نظام بین‌المللی حقوق بشر فراهم شود و ظرفیت‌های نوینی برای ترویج و ارتقای تضمین و رعایت احترام به حقوق و آزادی‌های افراد و گروه‌های مختلف بشری زمینه‌یابی گردد.

۸. مشکلات و دشواری‌های تحقیق

با نگاهی دوباره به طرح‌سؤالات مرتبط با پژوهش به خوبی می‌توان دشواری‌های موجود پیرامون هر نوع بحث "حقوقی" رادرباره‌ی هر آنچه که مربوط به "پست‌مدرن" باشد، درک کرد و در عین حال چارچوب‌های کلی پژوهش‌های حقوقی را در زمینه‌ی وضعیت پست‌مدرن مشخص ساخت.

چنین پژوهش‌هایی لزوماً باید در فضایی میان‌رشته‌ای سازمان‌یابنده به طوری که این امکان فراهم‌گردد تا از کاربست نظریات پست‌مدرنیستی در شاخه‌های مختلف اقتصاد، سیاست، فلسفه، علوم اجتماعی، فرهنگ، هنر و ادبیات (به عنوان زمینه‌های غالب برای رشد و بالندگی اندیشه‌ی پست‌مدرن و سازمان‌یابی وضعیت پست‌مدرن) برای درک گسترده‌های جدید اندیشه‌ی حقوقی و افزایش توانمندی رویارویی با معضلات و بحران‌های روبه‌فزونی نظام‌های حقوقی در وضعیت پست‌مدرن استفاده شود.

باید تأکید کرد مضامین اصلی و بن‌مایه‌های کلیدی پست‌مدرن را نمی‌توان تنها در حوزه‌ای خاص معنایابی کرد و مفاهیم پست‌مدرن بحران‌های تفسیری عمده‌ای دارد که تنها با یک سلسله‌ارجاعات بی‌پایان به مجموعه‌ای از مفاهیم متکثر، در حال دگرگونی و حتی متناقض‌قابل درک است.^{۱۶}

لذا ضروری است به طرز درهم‌تنیده‌ای مفاهیم گوناگونی که در حوزه‌های مختلف دانش بشری برای توضیح "وضعیت پست‌مدرن" به کاربرده شده‌اند، با استفاده از یک روش‌شناسی تکثرگرا و در قالب یک سلسله‌مطالعات میان‌رشته‌ای مورد استفاده قرار گیرند تا امکان درک شیوه‌های

۱۶. تأکید بر این مضمون یابی میان‌رشته‌ای به طور خاص از منبع زیر استخراج شده است:

Roy Boyne & Ali Rattansi, "Postmodernism and Society", London, Macmillan, 3rd edn, 1997, pp. 1-25.

بازنمایی "حقوق" در "وضعیت پست مدرن" و چالش ها، امکانات، استلزامات و کاربست های پیش روی نظام های حقوقی امروزی در وضعیت جدید فراهم گردد.^{۱۷}

اتخاذ چنین رویکردی که احیانا در مرزهای التقاط گرایی پست مدرنیستی، رویکردهای پساتخصصی و مقولات فرارشته ای یا فرامقولات شکل می گیرد، مسلما خالی از مخاطرات نظم ناپذیری، ابهام و چندگانگی، سیالیت و پراکندگی که همزمان به لحاظ روش شناسی آفت های پژوهش های حقوقی محسوب می شوند نیز نخواهد بود و همین امر از زاویه ای دیگر می تواند برای درک چالش زا و تناقض مند بودن هرگونه هم نشینی واژه های "پست مدرن" و "حقوق" و شکل گیری هرگونه پژوهش حقوقی در زمینه ی "وضعیت پست مدرن" مؤثر باشد.

البته دشواری های مربوط به چنین پژوهشی صرفا به جنبه های روش شناسانه ی فوق محدود نمی شود، بلکه به زمینه های آشفته و پراکنده ی معرفت شناسی وضعیت پست مدرن نیز مربوط می شود. به طور کلی تر قبل از هرگونه پژوهش پیرامون حقوق در وضعیت پست مدرن، باید تلاش های مستمر و فزاینده ای پیرامون این سوال شکل پذیرد که اساسا معنای دقیق واژه ی "پست مدرن" چیست؟ آیا اساسا امکان تدقیق معرفت شناسانه در جوهره ی احتمالی این مفهوم وجود دارد؟ کدام دسته از مطالعات تخصصی و یا میان رشته ای به لحاظ تاریخی به توضیح و تفسیر این واژه کمک کرده اند یا موجب ابهام و چندگانگی آن را فراهم آورده اند؟ چه خطوط ارتباطی می توان در بین تنوع و گوناگونی بیش از حد مطالعات شکل گرفته در حوزه های مختلف پست مدرن ترسیم کرد؟ آیا اساسا چنین نگاه جامع گرا و کلیت سازی در وضعیت پست مدرن دایر ای مشروعیت یا حداقل کاربرد پذیری است؟

اصولا خود پست مدرن ها هرگز داعیه ی ارائه ی بنیان ها، اصول و تعاریفی جامع و کلیت بخش را نداشته اند و حتی برعکس گاهی چنین تلاش هایی را به مثابه جوهری از تفکر مدرنیستی مورد اعتراض و نفی قرار داده اند؛ هرچند "پست مدرن" بیانگر یک نظریه ی سیستماتیک و نظام مند یا فلسفه ای جامع و فراگیر نیست و اساسا قائل به نظریه مدون و فلسفه ی کلی و جامع نیست و بلکه بالعکس به دریافت ها، تشخیص ها و تعبیر، تفاسیر و برداشت های متنوع و متفاوت از فرهنگ رایج و

۱۷. برای دیدن پیچیدگی های این رویکردهای تازه ی علمی، نگاه کنید به؛

Paul Cilliers, "Complexity and Postmodernism: Understanding Complex systems", London, Macmillan, 1998, pp. 21-27.

ترسیم نمایی از کثرت پدیده های مرتبط با هم عقیده دارد.^{۱۸} اما به هر حال ارائه ی درکی از وضعیت پست مدرن و جنبه های مختلف آشفتگی، پراکندگی، تضاد و تناقض، ابهام و چندگانگی و تکرار آن به عنوان زمینه ی بحث ضروری و در عین حال بسیار دشوار و چالش برانگیز می نماید. قسمتی از ابهام این مفهوم به جریان "بعدی بودن" (posteriority) بازمی گردد؛ واژه ی "پسا" یا به عبارت دقیق تر مفهوم "بعدی بودن" کدام جریانات را مورد اشاره قرار می دهد؟^{۱۹}

اما بخش عمده ای از ابهامات نیز به مفهوم "مدرن" مربوط می شود؛^{۲۰} واژه های مدرن، مدرنیته و مدرنیسم دقیقا به کدام دسته از مبانی نظری یا مفاهیم تاریخی قابل ارجاع هستند؟ چگونه می توان مطالعه در آن ها را به صورت کارگشا در زمینه ی "وضعیت پست مدرن" به کاربرد؟ اساسا چه نسبت ها و رابطه هایی میان وضعیت های مدرن و پست مدرن قابل تصور است؟ تفاوت مدرن و مدرنیسم چیست؟ پست مدرن و مدرنیسم چه نقاط اشتراک و تفاوت، همسانی و ناهمسانی هایی با یکدیگر دارند؟ کدام دسته از تمایزات میان واژه های پست مدرن، پست مدرنیسم و پست مدرنیته وجود دارد؟ هریک از این کاربردها چه استلزامات و چه ویژگی هایی را مورد اشاره قرار می دهند؟ آیا اساسا امکان ارائه ی تعریفی از "وضعیت پست مدرن" وجود دارد؟ چه دشواری هایی برای ارائه ی تعریفی واحد وجود دارد و در مقابله با آنها کدام دسته از رویکردها یا گزینه های بدیل برای درک وضعیت پست مدرن قابل حصول هستند و در مفهومی عمیق تر، معنای اصطلاح پست مدرن در بسترهای متفاوت نظری و تاریخی چیست؟ این تعبیر تا چه اندازه به عنوان توصیف گر تجربه ی معاصر، دقیق و سودمند است و در یک قضاوت منصفانه دلایل روزآمدی یا قدرتمندی این واژه کدام است؟^{۲۱} آیا اکنون در وضعیت پست مدرن هستیم؟ زمینه های تاریخی این اصطلاح کدام است؟ به طور کلی با نگاهی تاریخی فواید بحث پست مدرنیستی از حقوق برای نظام دانشگاهی آموزش حقوق چه بوده

¹⁸. Steinar Kvale, "Themes of Postmodernity" in Walter Truett Anderson (ed) "The Fantana post-modernism Reader", London, Fantana press, 1996. pp 18-25. in p 20.

¹⁹. Alison Lee, "Realism and Power: Postmodern British Fiction" London and Newyork, Routledge, 1990, p.x.

^{۲۰}. برای دیدن گوناگونی و تعریف ناپذیری این پیچیدگی ها، نگاه کنید به؛

Allan Pred, "Recognising European Modernities: A Montage of Present" London, Routledge, 1995, pp 33-49.

^{۲۱}. این شیوه ی طرح بحث، تا حدودی از اثر اقتباس شده است:

Wayn Hudson, "Postmodernity and Contemporary Social Thouth", in Peter Lassman (ed) "Politics and Social Theory" London, Routledge, 1989, pp.138-60.

است و چرا باید مخاطرات مربوط به بحث های اتمام ناپذیر پیرامون مفهوم پست مدرن را به دشواری های معضلات و بحران های گسترده ی حقوق اضافه کرد؟

چالش های معرفت شناسانه ی فوق الذکر، جنبه های دیگری از نابه سامانی های مربوط به سازمان دهی یک پژوهش حقوقی در پیوستگی با وضعیت "پست مدرن" را بازنمایی می کند و صورت بندی مفاهیم مقدماتی و مباحث مربوط به تعاریف و واژگان کلیدی پژوهش حقوقی پست مدرن را بسیار دشوار می سازد. طرح این مباحث به عنوان دشواری ها و مشکلات پژوهش صرفا بدین لحاظ بود تا نشان داده شود باید دسته ای از مفاهیم فلسفی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی پیرامون مدرنیته به طرز اجتناب ناپذیری مورد بازنمایی قرار گیرند و همین امر، سازماندهی مطالب و ارائه ی پیوستاری حقوقی از آنها را به اصلی ترین مشکل تحقیق تبدیل می کند.

۹- توضیح مفاهیم کلیدی

لازم است در این مرحله واژگان کلیدی این پژوهش مورد اشاره قرار گیرند تا زمینه های اصلی پژوهش تا حدودی معنایی شوند؛ هرچند که در حقیقت معنا سازی دقیق تر آنها یکی از اهداف تحقیق محسوب می شود و در طول مباحث مشخص می شود.

۹-۱- حقوق بشر

در یک گزارش توصیفی می توان مفهوم "حقوق بشر" را با ارجاع به مفهوم تاریخی "نظام بین المللی حقوق بشر" روشن تر کرد. چنین عبارتی به مجموعه ای از اسناد و قراردادهای بین المللی اشاره دارد که گستره ی خاصی از حقوق و آزادی ها را برای اینای بشر در نظر می گیرد و دولت ها را موظف به تضمین احترام و ارتقای رعایت آنها می سازد و مجموعه ای از ساز و کارها و نهاد های نظارتی و اجرایی را در سطح بین المللی و ملی برای چنین منظوری فراهم می آورد. آنچه در این پژوهش طرح می شود نقد مبانی فلسفی مشروعیت این مجموعه از مفاهیم و نقد شیوه های کاربردپذیری آن در بستری از عمل گرایی و واقع گرایی می باشد.